

# تحول روحی

عید آمد و آفاق پراز برك و نوا کرد  
مرغان چمن را لظرب نغمه سرا کرد  
هوا بر لب لاله پراز در عدن ساخت  
هم باد دل غنچه پراز مشک خطا کرد  
« قآنی »

عید معید ملی و نوروز باستانی را بخوانندگان ارجمند معارف  
جهفرفی تبریکه گفته امیداست که فرارسیدن بهار و نوشدن جهان  
کهنه ، آرامش روحی ، صفا و صمیمیت با نان هدیه دهد !

## راز نو و کهنه شدن جهان

هنوز پس از هزاران سال پژوهش و تحقیق ، راز نو و کهنه شدن  
جهان حتی برای فلاسفه و متفکران فاش نگشته و هنوز بشر این معماها  
نتوانسته درك کند و حقیقت آنرا بفهمد .

حکیم عمر خیام یکی از ریاضیدانان و فلاسفه بزرگ ماست که  
همواره از این جریان و از راز آفرینش نو و کهنه شدن جهان ، آمدن و  
رفتن و مرگ و زندگی جانداران و بخصوص آدمیان رنج برده و شکوهها  
می کند:

ز آوردن من نبود گردون را سود      وز بردن من بعز و جاهش نفزود  
وزهیچکسی نیز دو گوشم نشنود      کآوردن و بردن من از بهر چه بود  
در پرده اسرار کسی راره نیست      زین آه بیه جان هیچکس آسما نیست



این چرخ که با کسی نمیگوید راز کشته بستم هزار محمود و ایاز  
گاهی خیم از اوضاع جهان خشمگین میگردد که در کارگاه  
کوزه گری عالم دخالت میکند و بر این تصمیم عزم خود را استوار میسازد  
که طرحی نو بریزد



گر بر فلکم دست بدی چون یزدان برداشتمی من این فلک رازمیان  
و زو فلکی دگر چنان ساختمی کآزاده بکام دل رسیدی آسان



سرانجام چون چنین قدرتی در خود نمی بیند راه دیگری پیش  
میگیرد ، را و روش لذت طلبی و خوش گذرانی .  
بر چهره گل شبنم نوروز خوش است  
در طرف چمن روی دل افروز خوش است  
الهی که گذشت هر چه گوئی خوش نیست

پوشگاه علم خوش باش زدی مگو که امروز خوش است

### هماهنگی با طبیعت

اگر ما انوو کهنه شدن جهان و آمدن بهار آ که نیستیم این حقیقت  
را مشاهده میکنیم که بهار با خود خوشی و خرمی میآورد و همچنان که  
سعدی شیرازی گفته فر اش باد صبار امی گوید تا فرش ز مردین بگستراند  
و دایه ابر بهاری را دستور میدهد تا بنات نبات را در مهد زمین بپروراند و  
گل و سنبل بر ویاند ، درختان جامه ز مردین پیوشند و گلشن خود را برای  
مقدم بلبلان و هزار دستان آماده کند ، تا انسانها باغ درآیند و از این

سبزی و خر می در طرب آید و غم و اندوه خویش فراموش کنند .  
 آری ما این حقیقت را هر سال بهنگام نوروز مشاهده میکنیم و باید  
 از آن عبرت بگیریم یعنی ما انسانها نیز خود را با طبیعت هماهنگ سازیم  
 بخود شادی و خر می بدهیم ، گذشته را بدست گذشته بسپاریم ، و چشم  
 امید به آینده بدوزیم .

### راه و روش نیاسمان ایرانی ما

ما ایرانیان ، پیروی از سنتهای دیرین نیاکان خود ، پیش از  
 فرارسیدن نوروز ، سر و سامانی بزنند گی میدهیم ، خانه تمکانی کرده اثاث  
 کهنه و فرسوده را بیرون میریزیم و بجای آنها اشیاء تازه و نو بخانه  
 میآوریم و اتاقها را از هر جهت بخصوص اتاق پذیرائی را برای دید و بازدید  
 عید نوروز هر چه مجلل تر و باشکوه تر میسازیم .

چه بهتر همین لغت نیکو و پسندیده را نیز در مورد شخص خود ، مغز  
 خود که لانه افکار و اندیشه های ما و بالاخره هر کز عواطف و احساس های  
 ما است ، معمول داریم .

این خانه بظاهر کوچک را که هزاران بار کالاهای درونی آن  
 گرانتر و باارزش تر است مورد واری قرار دهیم ، آنچه ژیا و فریبنده  
 است نگه داریم و آنچه ناپاک است بدور اندازیم دشمنیها ، کینه تولیها ،  
 افکار شیطانی ، اندیشه های اهریمنی ، عواطف زشت و ناپسند و احساسهای  
 ژیا نبخش برای خود و اجتماع یقین در شمار کالاهای سال کهنه است ،  
 که باید از مغز خود دور ساخت و بجای آن روان خود را از مهر و محبت ،  
 صمیمیت ، عواطف پسندیده و شایسته و خلاصه اندیشه های پاک انسانی

سرشار سازیم .

هر فرد بسهم خودشایستگی بزرگوارى و گذشت دارد .  
گذشت يك نوع فداكارى و يك مبارزه مثبت بانفس سرکش و  
انتقام جواست ، که خاص روانهای بزرگ و روحیه‌های قوی و پرتحمل  
است و شخص میتواند آنرا در خود پیروراند .

حالا آزمایش را از خود شروع می‌کنیم ، به بینیم  
آیا از این دسته افراد هستیم ؟ آیا چنان روحیه‌ی بزرگی داریم  
که تحمل فداکاری و گذشت را داشته‌باشد ؟

و بالاخره آیا آن قدرت روحی و آن بزرگوارى را داریم که قلب  
خود را از عواطف بد ، و کینه‌هایی که از دیگران داریم پاک سازیم و با  
نوشدن سال ، مهر و محبت و صفا و صمیمیت جایگزین آنها بنمائیم ؟ نویسنده  
یقین دارد از این آزمایش کسانی سر بلند و پیروز و بیرون می‌آیند که از  
چنان روحیه‌ای برخوردار باشند

بدیدن عیب برویم

بادوست قدیمی خود بهم زده‌ایم ، البته عوامل مخالفی در میان ما  
بودند که سعایت کرده و شکرابی بوجود آوردند و سالیان دراز میگذرد  
و چه بسا که از دوری یکدیگر هم رنج میبریم يك فرد خیر خواه و اصلاح-  
جو میخواهد که ما را آشتی بدهد ، چه بهتر که خودمان پیشقدم بشویم و  
گذشته‌ها فراموش کنیم ، طبق معمول بدیدن عیاد و برویم حالا کدامیک  
باید بچنین کاری اقدام نمائیم ؟ آنکه قدرت روحی بیشتر دارد و از گذشت  
و بزرگوارى بیشتری برخوردار است .

### کانون گرم خانوادگی

زن و شوهری ، بر اثر نداشتن توافق اخلاقی و یا وجود اختلافهای کوچک داخلی ، کارشان نزد بیماران روانی تنزل کرده است زیرا آنها نفس خود را مسئول بیماری خویش می‌شمارند لذا بایستی بوسیله ایجاد شرایط مناسب باناراحتی‌های بیمار مبارزه نمود و مهمترین شرط عملی نمودن این منظور ایجاد محیط مناسبی در بیمارستان روانی میباشد.

(نا تمام)

### دل نوجوان

قال امیر المؤمنین (ع) :

وانما قلب الحدث كالارض الخالية مالقى فيها من

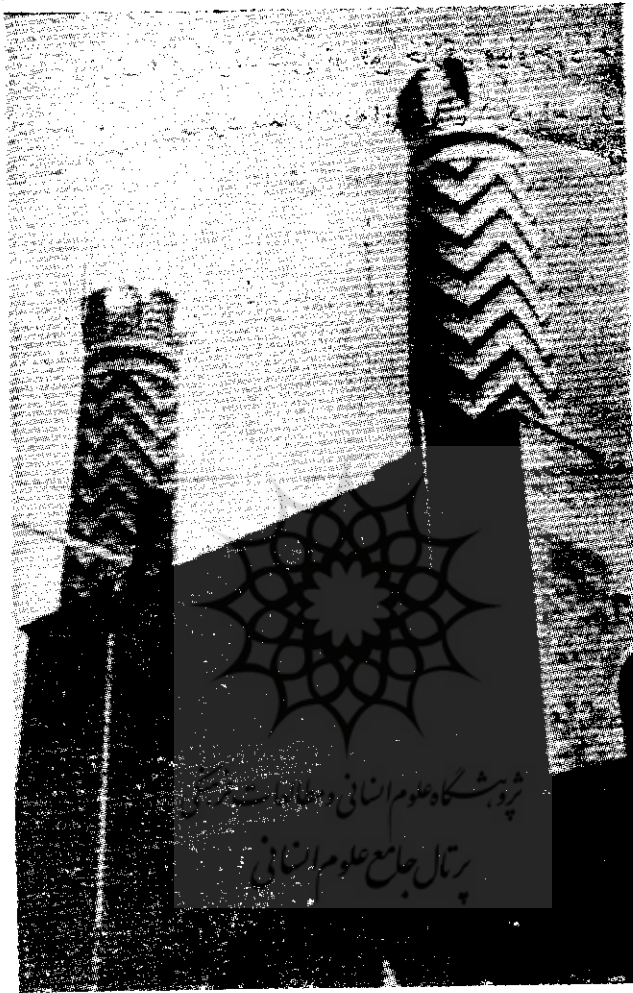
شیء قبلته . *پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

علی علیه السلام فرموده است : دل نوجوان مانند زمین

آماده ایست که از هر سبزه و گیاه خالی باشد ؛ هر بذری که

در آن افشاندند شود می پذیرد و در آغوش خود بخوبی می پرورد

(نهج البلاغه)



سردر مسجد آل الرسول ایرانشهر ( بلوچستان )